

افسانه پادشاهان در تلویزیون



با این که لحن و گویش اصفهانی ظرافت‌ها و شیرینی خاص خودش را دارد، اما انگار ملاحظت زبان شیرازی در سریال روزی روزگاری، ساخته همین کارگردان - امرالله احمدجو - با ساختار اثر سنخیت و تجانس بیشتری داشت و حتی برخی دیالوگ‌های آن به تکیه کلام‌های جذاب در سطح جامعه بدل شد.

درباره سریال پشت کوه‌های بلند افسانه پادشاهان در تلویزیون

جام جم آنلاین: با این که لحن و گویش اصفهانی ظرافت‌ها و شیرینی خاص خودش را دارد، اما انگار ملاحظت زبان شیرازی در سریال روزی روزگاری، ساخته همین کارگردان - امرالله احمدجو - با ساختار اثر سنخیت و تجانس بیشتری داشت و حتی برخی دیالوگ‌های آن به تکیه کلام‌های جذاب در سطح جامعه بدل شد.

با وجود این شیرین‌زبانی‌ها و ملاحظت زبان فارسی و بازی‌های زبانی آن را نباید نادیده گرفت. به قول احمدجو من در پشت کوه‌های بلند سعی می‌کنم به واسطه مطالعه میدانی، تحقیق و علاقه‌مندی واقعی به اصل زبان و آشنایی با حداقل‌های زبانی، ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات عامیانه، مخاطب را به تفکر وادارم. این کارگردان مضمون اصلی پشت کوه‌های بلند را همانند روزی روزگاری توجه دادن جامعه به اخلاقیات معرفی می‌کند.

ذکر تفاوت‌ها در پشت کوه‌های بلند و روزی روزگاری البته به معنای عدم تشابه میان این دو مجموعه نیست و می‌توان بین قصه و ساختار روایی هر دو اثر نقاط مشترک زیادی پیدا کرد.

داستان پشت کوه‌های بلند از این قرار است که حاکم دست‌نشانده سامشاه در اصفهان (حسن اکلیلی) که دور از چشمان سامشاه می‌خواهد پادشاهی را از آن خود کند، با طراحی پیشکار (فریدون سورانی)، خواجه نعمان تاجر بزرگ اصفهان و کدخدای کولیباد (بهرز مسروری) را به دارالحکومه دعوت کرده تا با جلب حمایت آنها، طرح خود را عملی کند.

بعدها معلوم می‌شود خواجه نعمان با غرق شدن کشتی‌هایش در مسیر هند ورشکسته شده و کدخدای کولیباد هم آن سلحشور و جنگجویی که تصور می‌کرد، نیست.

سامشاه در انتظار حاکم، در نزدیکی اصفهان اردو زده است و بنا به خلیقات و عادت دوران راهزنی‌اش، هنوز بیابان‌نشین و چادرنشین را به کاخ‌نشین ترجیح می‌دهد و به این جهت کنار رودخانه زاینده‌رود اردوگاهی برایش علم می‌شود.

او حاضر نیست وارد شهر اصفهان شود و همین مساله دستمایه رخدادهای بعدی در سریال می‌شود. شباهت دیگر دو مجموعه این است که بیشتر لوکیشن‌های سریال در همان لوکیشن اصلی روزی روزگاری تصویربرداری شده است.

شخصیت حسام‌بیگ سریال روزی روزگاری، اینجا در نقش سامشاه دیده می‌شود و بسیم‌بیگ (محمد فیلی) با نام تلخک نقش آفرینی می‌کند.

همچنین شخصیتی به این کار اضافه شده که یادآور زنده‌یاد خسرو شکیبایی در سریال روزی روزگاری است. نقش این شخصیت را که شیرخان نام دارد علیرضا شجاع‌نوری به عهده دارد البته باید به تفاوت‌های جامعه‌شناختی و ویژگی‌های روان‌شناسی مخاطب در فاصله میان این دو سریال توجه داشت و آن را در این تطبیق لحاظ کرد.

از روزی روزگاری در دهه 70 تا پشت کوه‌های بلند دهه 90، هم جامعه و هم مخاطبان آن دچار تغییر و تحولات و دگردیسی‌های فردی و اجتماعی شده‌اند که نمی‌توان آن را در فرآیند جریان‌شناسی سریال‌های تلویزیونی نادیده گرفت.

پشت کوه‌های بلند را باید ترکیبی از ژانرهای مختلف دانست که بیش از هر چیز یک روایت طنزانه از تاریخ محلی و فولکلوریک است و بدون شک تخیل را به لحن این ساختار اضافه می‌کند تا سویه سرگرم‌کننده و البته قصه‌گوی ماجرا برجسته‌تر شود.

قصه‌گویی قوی سریال را باید از جمله ویژگی‌های بارز این کار دانست که ریشه در تعلقات خلقی ایرانیان دارد و چه‌بسا در همین بستر رفتاری است که روزی روزگاری به دل می‌نشیند. در ضمن سنخیت لحن و ساختار این مجموعه را با تفنگ سرپر هم باید در نظر گرفت.

از جمله ویژگی‌های مهم پشت کوه‌های بلند مثل آثار قبلی این کارگردان توجه به فرهنگ و تاریخ محلی و فولکلوریک است که در اینجا

با طراحی صحنه، دکور و رنگ‌آمیزی بیشتری همراه شده و به طور کلی از ابعاد تولیدی قوی‌تری برخوردار است.

باز هم در این ارزیابی باید گذشت زمان و غنی شدن سینمای ایران از حیث فنی را در نظر گرفت. با این حال در بخش بازیگری، روزی روزگاری از شمایل قدرتمندتری برخوردار بوده هرچند در اینجا هم برخی از بازیگران سابق استفاده شده است.

همین قیاس نشان می‌دهد چقدر حضور بازیگران توانمندی مثل خسرو شکیبانی در برجسته شدن یک مجموعه تلویزیونی تاثیر دارد.

سریال ساختاری اپیزودیک دارد و ضمن روایت یک داستان که خط اصلی سریال را تشکیل می‌دهد، بینندگان در هر شب یا در دو شب شاهد یک قصه مستقل هستند که در قالب طنز ساخته شده و البته داستانی تخیلی است که بدون زمان و مکان محسوب می‌شود.

ناگفته نماند زاینده‌رود نیز یکی از نقش‌های اصلی را به عهده دارد و حتی خشکی آن در مقاطعی برای سازندگان پشت کوه‌های بلند دردسرافزین شده بود، اما در نهایت سازندگان با برنامه‌ریزی توانستند از مقاطع پرآب زاینده‌رود استفاده کنند و بیشتر بخش‌ها را در باغ بهادران که محلی نزدیک اصفهان است، تصویربرداری کنند.

البته بیابان‌های میمه که سریال روزگاری نیز در آن ساخته شده، در این سریال از چشم احمدجو دور نمانده و بخش‌هایی از کار را هم آنجا تصویربرداری کرده است.

پشت کوه‌های بلند بیشتر به حکایت‌های ادبیات کهن شباهت دارد که در قصه و داستان آن نکات حکمت‌آمیز زیادی نهفته است و در اینجا آموزه‌های اخلاقی در لابه‌لای قصه و دیالوگ‌ها و اتفاقاتی که برای شخصیت‌های داستان می‌افتد، قابل بازخوانی و تشخیص است.

پشت کوه‌های بلند روایت اوسنه پادشاهی و حال و هوای آن بوده و یک رفتارشناسی و تبارشناسی از رفتار و سلوکی پادشاهانه را به تصویر می‌کشد. موسیقی متن سریال را نیز باید از جمله امتیازات آن دانست هرچند به زیبایی و خاطره انگیز بودن روزی روزگاری نیست.

سیدرضا صائمی